

وقوه مجریه وظیفه خود را برای ایجاد زیرساخت‌های حقوقی مهم با تهیه لایحه و نهایی کردن آن در دولت وارسال به مجلس انجام داده است. این موضوع فقط محدود به لایحه چهارگانه FATF نیست. ما لایحه شفافیت را دادیم که اهمیت کمتری نسبت به این بحث ندارد. ما لایحه مدیریت تعارض منافع را ارائه داده‌ایم و داریم پیگیری می‌کنیم. اهمیت آن هم کمتر نیست و شاید بیشتر باشد. ما نمی‌توانیم تضمین کنیم اقدامی که می‌کنیم حتماً به همان ترتیبی که می‌خواهیم به نتیجه می‌رسد. من الان دنبال مقصربایی نیستم، اما این نباید ما را از چند نکته مهم غافل کند. اول اینکه دولت وظیفه دارد آنچه را از نظر کارشناسی احراز می‌کند، در موردش اقدام کند. دوم اینکه پیگیری کند. سوم اینکه گفتمان‌ش را هم ایجاد کند که کرده است. چهارم اینکه با شناسایی یک معضل و طرح پیشنهاد، به تمام نهادهای ذیربط دیگر این فرصت را بدهد که

**فکر می‌کنید این عدم رسیدگی‌ها، معطل ماندن‌ها و در دستور کار قرار نگرفتن‌ها هم یک روند طبیعی است؟**  
این انتقاد وارد است. من در کمیسیون‌های دولت هم می‌گویم که نباید فرآیند رسیدگی این اندازه طول بکشد. ولی فراموش نکنید همان طور که گفتم در همه دنیا قوه مجریه یک دسته تکالیف دارد، قوه مقننه هم یک دسته تکالیف دارد و قوه قضائیه هم همین طور. وقتی قوه مجریه در درون خودش کاری را کامل می‌کند، مسئولیت آن را همین طور تکالیفی که برای خودش ایجاد می‌شود، می‌پذیرد. مثلاً وقتی لایحه شفافیت داده می‌شود یک بار بزرگی از نظر تعهداتی که برای خودش ایجاد کرده متوجه خود دولت است. وقتی لایحه مدیریت تعارض منافع را داده، یک بار بزرگی از مسئولیت متوجه خودش است. بنابراین دولت سهم خودش را انجام می‌دهد. شما درست می‌گویید؛ مردم حق دارند که به عنوان شهروند بپرسند که شما این قدم



**بیش از ۳۰ مورد تنبه یا تذکر قانون اساسی از طرف رئیس‌جمهوری انجام شد که بیشتر آن مربوط به حقوق مردم بود. این تذکرات هم به وزارتخانه‌ها و زیرمجموعه‌های آنها داده شد و هم در مواردی به قوا و نهادهای حکومتی دیگر. در مورد انتخابات مجلس یازدهم هم رئیس‌جمهور اقدامات و مکاتبات و تذکر قانون اساسی را انجام داده‌اند همچنانکه در باره بازداشت برخی چهره‌های سیاسی و روزنامه نگاران و حتی اتفاقات آبان ماه پیگیری، مکاتبه و عندالاقضا تذکر داشته‌اند**

برای حل آن با هم همکاری کنند. به هر حال در هر کشوری این دست مسائل ممکن است اتفاق بیفتد اما نفس ایجاد گفتمان که همه تلاش می‌کنند یک مفهوم جدید را هضم کنند این زمینه را فراهم می‌کند که در یک بستر مناسب و بهتر آن کار به سرانجام برسد.

■ **با این سخن شما موافقم که چنین رویه‌ای در همه کشورها وجود دارد. اما اگر این را عینی‌تر و عملی‌تر نگاه کنیم می‌بینیم خیلی از لوابی‌هایی که اشاره کردید بیش از یک سال است آماده شده و به مجلس فرستاده شده اما آنجا خاک می‌خورند. خیلی هم چشم‌اندازی نیست که مجلس در یک سال باقی مانده بخواهد اینها را بررسی کند. اینها جزو اقدامات زیربنایی دولت محسوب می‌شوند، وقتی به سرانجام نرسد آیا اینگونه به نظر نخواهد رسید که دست دولت خالی است؟ آیا**

را برداشته‌اید و کی به نتیجه می‌رسد. ولی تقسیم کار هم براساس قانون اساسی است. قانون اساسی سهم قوه مجریه را در فرآیند قانونگذاری تا تقدیم لایحه مشخص کرده و از یک جایی هم سهم مجلس شروع می‌شود. البته مجلس را هم باید درک کرد که تازه روی کار آمده است. اما این هم هست که اگر فرآیندها زیاد طول بکشند مایوس‌کننده می‌شوند از این نظر که آیا بالاخره اقدامات زیربنایی و زیرساختی به نتیجه می‌رسند یا نه؟ بنابراین باید یک همت جمعی بین هر دو قوه و شورای نگهبان ایجاد شود که اینها به سرانجام برسد.

■ **برگردیم به توضیحات شما درباره مأموریت‌های معاونت حقوقی.**

ما یک معاونت دیگر داریم به نام معاونت هماهنگی در نظارت و هماهنگی دستگاه‌های اجرایی.

در این معاونت یکی از حوزه‌های کارمان پاسخگویی به استعلامات و رفع اختلافات است. چهار امور یا به عبارتی چهار واحد زیرمجموعه این معاونت است. یکی از این واحدها امور رفع اختلاف دستگاه‌های اجرایی است. همین امور در کنار واحد مستندسازی، صدها اختلاف بین دستگاه‌های اجرایی و هزاران استعلام را پاسخ داده و شاید اگر قرار بود اینها به دادگاه بروند میلیاردها تومان هزینه دادرسی آن می‌شد و شاید چند هزار میلیارد خواسته این دعاها بود. اما ما در همین جا صرفه جویی کردیم. بعضی موارد هم مالی نیست ولی اثر اجتماعی بالایی دارد. مثلاً بحث انتخابات شورایاری‌ها که مطرح بود ما بررسی کردیم و نظر دادیم که این انتخابات براساس ضوابط قانون بلاشکال است. البته کاری نداریم که بعداً دیوان عدالت اداری نظر متفاوتی داده است. ما آن زمان این نظر را دادیم و انتخابات برگزار شد که بخشی از حقوق مردم است. یا مثلاً اگر یادتان باشد در رابطه با شیوه‌نامه انضباطی دانشجویان بحث شد. ما دیدگاه‌های دانشجویان را گرفتیم. دوتا دستگاه یعنی وزارت علوم و وزارت بهداشت را جمع کردیم و مباحث آنها را بررسی کردیم و فهرستی از اصلاحات شیوه‌نامه انضباطی را برای بیشتر در نظر گرفتن حقوق دانشجویان ارائه کردیم. هر کدام از اینها با رویکرد حفظ حقوق و آزادی‌های مردم انجام شده و ما تلاش کردیم به آن جهت بدهیم. مثلاً در امور مربوط به دعاوی هم جایی داریم که زیرمجموعه همین بخش است که آنجا هم اقدامات مهمی برای حفظ حقوق دولت کرده‌ایم. برای نمونه در جایی متوجه شدیم که ابطال یک مصوبه‌ای را در دستگاه قضایی دنبال می‌کنند که مربوط به ۲۵ هزار هکتار زمین بود و اگر ابطال می‌شد ممکن بود این حجم از اموال و اراضی دولتی و عمومی از دست برود. بنابراین محکم ایستادیم و دفاع کردیم و جلوی آن را در مرحله اول گرفته‌ایم.

■ **طرف این دعا چه کسی یا نهادهای بوده؟**

یکی از شرکت‌های دولتی که خصوصی سازی شده، آمده مدعی این زمین شده در حالی که در فهرست اموال موضوع واگذاری نبوده است. آنها مدعی بودند چون زمانی که شرکت متعلق به دولت بود، این زمین‌ها هم به آن مجموعه تعلق داشت، الان هم باید این طور باشد. حال آنکه اینها تفکیک شده و در فهرست اموال نیامده است. بنابراین رفته‌اند مصوبه‌ای که این زمین‌ها را از موضوع واگذاری جدا و استثنا کرده، ابطال کنند تا بتوانند این زمین را مالک شوند. حال آنکه موضوع اراضی عمومی و منابع طبیعی آن هم به اندازه یک شهر بزرگ است. مورد دیگر ۵ هزار هکتار زمین در شمال بود که آمده بودند بر مبنای مصوبه‌ای آن را تصاحب کنند. ما طرح دعا کردیم و حکم هم گرفتیم و مانع این کار شدیم. یا در موردی دیگر متوجه شدیم نهادی برای یک نقیسه ملی بسیار مهم رفته حتی سند هم گرفته است. دعاوی ابطالش را مطرح کردیم و پیگیر هستیم.

■ **حالا که بحث شکایت و طرح دعا شد خوب است به این ادعای مخالفان دولت هم پاسخ دهید که می‌گویند شما دهان منتقدان را بسته‌اید؟**

از ابتدای کار من یک شورای نظارت بردعاوی و شکایت‌ها گذاشته‌ام که نه دعاوی لازم‌ی بخصوص در مورد اموال و حقوق دولتی و عمومی طرح نشده باقی